



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی

# اصطلاحات موسیقی و صور شعری و معنایی آنها

استاد راهنما :  
دکتر حیدر قلیزاده

استاد مشاور :  
دکتر رشید عیوضی

پژوهشگر :  
سونیا صفری

شهریور / ۱۳۸۸  
تبریز / ایران



تقدیم به گوهر یگانه هستی، مادرم

تعلیم گر حدیث موسیقی، استاد شیروانی

جلوه ساز عالم عرفان، استاد قلیزاده

## تقدیر و تشکر

سپاس شاه ختایی را که بر تخت طاقدیس مسند افروخته و مجلس افروز خنیاگران عشاقی است که در گوشمال ساز عمری مصروف داشته اند تا با اکسیر روح افزای موسیقی آوای مناجات با معشوق دلکش و دلنواز را چون زنگوله بر گردن سپهر آویخته و دبیر فلک را بر نوشتن ساقی نامه و صوفی نامه برانگیزند. نفیر و بیداد از شهر آشوب لیلی وشی که با مقرر عشق جامه دران کمانچه ای است که بر اندام نازک و زخم خورده سه تار و تنبور غزلسرایی کرده و بر این نهیب باید که حسینی وار جوی خون از دل سنتور و قانون جاری گشته و آواز پرتلهاب عراق از دل تار، رباب، بربط و عود برآید. اوست که با غلغله بوق، شیپور، صور و کرنا، آوای لطیف موسیقار و ارغنون را به وادی فنا کشانده و همچون گبری نی را در حصار ناله های پر سوز و گداز فراق انداخته، دف، تمبک، طبل و دهل را سیلی خور کرشمه های خویش ساخته تا ناقوس مسیحی، دیوانه وار سر به اطراف کوبد و چنگ خمیده قامت را گیسوکشان از نوای مخالف رهانده و رو به حجاز در رکوع آرد.

باشد که محفل راز و نیاز با این رساله نوپای، زیرافکنی از نوای بوسلیک، راهوی و سپاهان، راست کند تا جبران زبان قاصر حقیر گردیده و از مرشد بوستان حقیقت، دکتر قلیزاده که همواره چون تالو فانوس دریایی، راهنمای این گمگشته در دریای پر امواج عرفان بودند، سجده شکر بجا آرم و از اینکه قبول منت فرموده و راهنمایی این پایان نامه را بر عهده گرفتند قدردانی کنم. از دکتر عیوضی علاوه بر اینکه افتخار شاگردی در محضر متبرک و عالمانه ایشان را به مدت شش سال داشته ام، زحمات این فرزانه دهر را بعنوان استاد مشاور بر دیده منت نهاده و سپاس گویم. از کلیه اساتید بزرگوار گروه زبان و ادبیات فارسی: دکتر قره بگلو، دکتر علیزاده، دکتر گلی، دکتر مشتاق مهر، دکتر صدقی و دکتر آتش زای که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد، نا آگاهی و بی علمی بنده را تحمل کرده و از سرچشمه معرفت خویش سیراب ساختند، کمال تشکر را دارم و خواهان آنم تا دعای خیر ایشان همواره چون سپندی، دفع بلا کند.

از قافله سالار کاروان هستی ام که با نشاندم بر اشتر ناز و افتخار، خود با پای پیاده قدم بر خارهای زندگی نهاده و ساربان بادیه پرظلمت ایامم گردید، قدردانی کنم و خاک پای او را به نشانه تبرک بر سر و روی مالم و فریاد زخم: مادرم دوست دارم. کاش می توانستم از سرزمین مقدس و پر رمز و راز آواها لطیفترین ملودیها را ارمغان لحظات پرخلوت و عارفانه استادی سازم که با نشاندم دستم بر اندام ساز و آموختن نواهای روحانی، طراوت زندگی را از دریچه پراحساس هنر جلوه گر ساختند. خواهم که به نشانه ارادت بوسه بر دستان هنرمند ایشان زخم و گویم: استاد شیروانی، آوای سازت جاودانه باد. این میان از اساتید موسیقی والامقامی چون آقای قادر رودکیان و آقای ناصر بهنژاد و کلیه عزیزانی که در زمینه هنر موسیقی بنده را یاری فرمودند تشکر کنم. دست آخر از برادر بزرگوارم آقای یاسر صفری، دوستان مهربانم خانم سپیده خوش سلیقه و خانم وحیده علیزاده که در زمینه تنظیمات تایپ پایان نامه وقت گرانبهای خویش را مصروف داشتند قدردانی کنم. همچنین از زحمات آقای غلامحسین فتحی، خانم سپیده فداکار و خانم پرستو حی العالم که تدارک تصاویر موسیقی را برعهده داشتند ممنون باشم. امید است اثر حاضر راه گشایی باشد برای ره یافتن به بارگاه حضرت دوست.

سونیا - صفری

شهریور ۸۸

ایران / تبریز

## فهرست مطالب

چکیده

پیشگفتار

مقدمه ..... ۱-۸

اصطلاحات موسیقی و صور شعری و معنایی آنها:

« آ » ..... ۲۰-۲۸

آرایش جهان، آرایش خورشید، آرشه، آواز (= آوا = آوازه = بانگ)، آهنگ، آیین، آینه پیل.

« ا » ..... ۲۹-۴۶

ابریشم (= بریشم)، ادا، اذان، ارجنه، ارغنون (= ارغن)، اسباب (= آلت)، اشکنه، اصفهان، اغانی، افسر سگری، افشار، انگبین، اوتار (= زه)، اورنگی.

« ب » ..... ۴۷-۶۸

باده، باربد، باروزنه، بازگشت، باغ سیاوشان، باغ شهریار، باغ شیرین، بانوی کوه، بربط، برداشت، بلبل، بند شهریار، بوسلیک، بوق، بهار بشکنه، بهمن (= بهمنجنه)، بیات، بیداد، بیشه.

« پ » ..... ۶۸-۸۳

پابازی، پارسی، پای ساز، پایکوبی، پرپرستو، پرده، پرده خرم، پرده عنقا، پروانه، پنگان، پوست، پهلوان / پهلوی.

« ت » ..... ۸۴-۱۱۹

تار، تیره، تحریر، تخت اردشیر، تخت طاقدیس، تر، ترانه، ترنگ (= ترنگاترنگ)، ترنم، تلاوت، تمبک (= تنبک = خمبک)، تنبور (طنبور)، تن تن و ... .

« ج » ..... ۱۲۰-۱۳۴

جام، جامه دران، جرس، جعبه، جلاجل (= جلجل).

« چ » ..... ۱۳۴-۱۶۲

چارپاره، جامه، چرخ (= چنبر = دایره)، چغانه، چکاوک (= چکاو)، چنگ، چوبک (= چوگان)، چوپانی، چینی.

« ح » ..... ۱۶۲-۱۸۱

حافظ، حجاز، حدی، حراره، حزین، حسینی، حصار، حقه کاوس، حلق، حمیری، حنانه، حیران.

« خ » ..... ۱۸۱-۱۹۱

خارج، خرابات، خراسان، خربیط، خرمهره، خروش، خروش مغان، خزان، خسروانی، خماسرو، خنیاگر، خواندن (= خوان = خواننده)، خول.

« د » ..... ۱۹۱-۲۳۲

داد آفرید، دانگ، داودی، درای (= زنگ)، درغم، دست زنی، دستان، دستگاه، دف، دل انگیزان، دلاویز، دلربا، دلکش، دلگشا، دلنشین، دلنواز، دم، دمدمه، دمساز، دنگ، دنه، دوال، دوتا (= دوتار)، دورویه، دوگاه، دولاب، دهان، دهل، دیرسال، دیف رخش.

« ذ » ..... ۲۳۲

ذکر.

« ر » ..... ۲۳۲-۲۸۱

راح (= راح روح)، راز و نیاز، راست، راک، رامش، رامش جان، رامش گر، راه، راه گل، راه ماوراء النهری، رباب، رشته، رق، رقص، رگ، روح افزا، روح الارواح، رود، روده، روشن چراغ، رویین، رهاوی (= راهوی = رهاب)، ره باستان.

« ز » ..... ۲۸۱-۳۰۵

زار، زبور، زخم، زخمه، زرکش، زرین چنگ، زلزل، زلف (= گیسو = مو)، زمجره، زمر، زمزمه، زنگوله (= زنگله)، زهره (= ناهید)، زیرافکنند (= زیر افکن)، زیر بزرگ ← زیرافکنند، زیرخرد ← زیر افکنند، زیر و بم، زیر و ستا.

« س » ..... ۳۰۵-۳۴۰

ساربان، سارنگ، ساز، سازگار، سازنده، سبز در سبز، سبزه بهار، سبک، سپهر، سپید مهره، ستا (= سه تا)، سستی زرین، سجع، سحرآوازی، سرآهنگ، سراینده، سرخوان، سرنا، سرود، سرور، سروستان (= سروستاه)، سرو سهی، سرکش، سروش، سکوت، سماع، سنتور، سنج (= چلپ)، سوزدل، سوزناک، سوز و گداز، سه تار، سیر آهنگ، سیم.

« ش » ..... ۳۴۰-۳۵۵

شاخ، شادروان مروارید، شادیانه، شارک، شبابه، شبیدیز، شب فرخ، شست، شش تا (= شش تار)، شکرافشان، شکر توین، شکرریز، شکسته، شکفه، شکن، شور، شهر آشوب، شهرود (= شاهرود)، شهناز، شیپور، شیشم.

« ص » ..... ۳۵۵-۳۶۳

صدا (= صوت)، صد دستان (= صد لحن)، صفق، صغیر، صور.

« ض » ..... ۳۶۳-۳۶۵

ضرب، ضرب اصول.

« ط » ..... ۳۶۵-۳۷۷

طاس ( = تاس )، طبل، طرب، طریق، طشت، طنطنه، طنین، طوطی، طیاره.

« ع » ..... ۳۷۸-۳۹۲

عاشق کش، عذرا، عراق، عشاق، عقده گشا، عندلیب، عنقاء، عود.

« غ » ..... ۳۹۳-۳۹۷

غرنگ، غرو، غریو، غزل، غم انگیز، غمزده، غناء، غنه.

« ف » ..... ۳۹۷-۴۰۲

فاخته، فراقی، فرح، فرخ روز، فروداشت، فریاد ( = فغان )، فن.

« ق » ..... ۴۰۲-۴۰۹

قالوس، قانون، قراء، قفل رومی، قول، قیصران.

« ک » ..... ۴۰۹-۴۲۳

کاسه، کاسه گر، کاویزنه، کبک، کبک دری ( = غنچه کبک دری )، کرشمه، کرنا ( کرنا ی )، کسری، کف زدن، کمانچه، کوزه، کوس، کین ایرج، کین سیاوش.

« گ » ..... ۴۲۳-۴۳۵

گاودم، گل بانگ ( = گلبانگ = گلبام )، گلرخ، گلریز، گلزار، گل نوش، گنج ...، گوشمال، گوینده ( = گویا ).

« ل » ..... ۴۳۵-۴۳۸

لالایی، لحن، لفظ، لولی، لهجه، لیلی.

« م » ..... ۴۳۹-۴۶۷

مالش، ماه برکوهان، ماهور، مایه، مثنی و مثالث، مجلس، مخالف، مدح ( = مدحت )، مرغ، مرغول، مروای نیک، مزار، مشک دانه، مضراب، مطبوع، مطرب، معشوق، معلق زن، مغنی، مقام، مقررعه، ملاحی ( = لهو )، مناجات، منصور، موافق، موزون، موسیقار، موسیقی، مویه، مهربانی، مهرگان، مهره، مهری.

« ن » ..... ۴۶۷-۵۰۹

ناخن، ناقوس، ناقوسی، ناله، ناهید ← زهره، نای (= نی)، نای انبان (= نی انبان)، نخجیرگان، نشابور، نشید،  
نعره (= عربده)، نغز، نغمه، نغمه ساز (= نغمه سنج = نواسنج)، نفس، نفیر، نقاره (= نوبت = پنج نوبت)، نقش،  
نمط، نوا، نوازش، نوازنده (= نواز = نواساز)، نواگر، نوحه، نوروز، نوش لبینا، نوشین باده، نهاوند، نهیب، نیمروز.

« و » ..... ۵۰۹-۵۱۰

ورشان.

« ه » ..... ۵۱۰-۵۱۴

های هوی (= های وهوی)، هزاردستان (= هزارآوا)، هم آواز (= هم آهنگ = هم نوا)، همایون.

« ی » ..... ۵۱۴-۵۱۵

یاقوت، یکتا.

فهرستها

تصاویر سازها ..... ۵۱۶-۵۳۴

فهرست منابع ..... ۵۳۵-۵۳۸

Abstract



## چکیده

موسیقی علمی شریف و صنعتی لطیف است که موجب تلطیف ارواح و صحت اجسام می‌گردد. چه بسا سالکان طریقت که به سماع زمزمه، بند تن از پای گسسته و دره‌وای وصال به پرواز آمده‌اند. شاعران نیز با بهره‌گیری از علوم دقیق موسیقایی، کلبه اصطلاحات موسیقی را در قالب شعر بیان کرده و با صور زیبایی آنها را مزین کرده‌اند. ایشان با هنرمندی خاصی بین تعابیر موسیقی و صور شعری، از بعضی صناعات ادبی چون؛ استعاره، ایهام، اضافه تشبیهی و ... بهره‌فراوان برده‌اند. اوج تصویرگریهای ایشان را در ارتباط با مقامات و آلات موسیقی می‌توان دریافت.

الحن و مقامات و پرده‌ها با همنشینی در یک بیت، علاوه بر معنای موسیقایی خاص خود- که با گریز زدن از مقامی به مقام دیگر، لحن هر مایه متناسب با حالات روحی عاشق تغییر می‌یابد- ایهام زیبایی را با بعضی اسامی شهرها ( چون: حجاز، اصفهان، عراق و... ) ایجاد کرده و آنها را راهی برای وصال به معشوق و یا فراق از کوی او معرفی می‌کنند. گاه نام برخی مقامات، اقلیت خاصی ( چون: عشاق و مخالف) را در ذهن جلوه‌گر می‌سازد. هیات ظاهری سازها نیز چون از دریچه تعالیم فکری و عرفانی شعرا نگریسته شود، عاشق جبرگرایی را در ذهن متبلور می‌سازد که بی‌اراده و اختیار در دستان نوازنده حضرت حق قرار گرفته و هر لحظه از دم یا زخمه‌های لطف و قهر او، گلبانگ پرسوز و گداز عشق سر می‌دهد. حالت عکس آن را این‌گونه تعبیر کرده‌اند که گاه می‌توان با گوش دل آوای معشوق را از دل هر سازی باز شنید و مست نوای او شد، زیرا از نغمه تا خدا یک کوچه راه است.

## کلید واژه‌ها

شعر فارسی، عرفان، صور شعری، ساز، الحان، موسیقی.

## پیشگفتار

موسیقی هنری ظریف و حساس است که نسبت به دیگر هنرها با وجود دارا بودن صوت و آواز مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و گوشه عزلت بر خود گزیده است. مظلومیت این هنر را در رقص پر شور اصواتی می‌توان ادراک نمود، که برای مدتی کوتاه در صفحه هستی خود نمایی کرده و تداعی گر خاطرات و احساسات مستمعانی می‌گردد که چون صوت را منتهی به سکوتی پر زنگ دریابند آن را در کوچه پس کوچه های خلوت فضا رها ساخته و از کنار آن می‌گذرند. گویی که هیچ هنری زاده نشده است و این یعنی مرگ صدا.

مقصود از انتخاب این هنر مظلوم و عجیب ساختن آن با اشعار ادب فارسی این بود که دلبری و ناز و کرشمه اصطلاحات موسیقی، از کمند تیره و تار واژه‌ها و کلمات رهانیده آید تا در بوستان جلوه‌گری، روشن چراغی باشد از بهر صیادانی که هر لحظه مترصد آهوی گریزپای سخن سرایی بوده و دام بر صید آن گسترده‌اند. این صیادان صاحب ذوق، گاه از رده هنرمندان و موسیقی‌شناسان اند که از جلوه‌گری نام انواع سازها و الحان و مقامات و دیگر اصطلاحات موسیقی در اشعار فارسی متحیر گشته و برآن‌اند تا صور زیبای این واژه‌ها را در دیوان شاعران دریابند و بر هنر والای موسیقی فخر و مباحثات کنند، و گاه از رسته پژوهشگران و اهل تحقیق، خصوصاً اساتید و الامقام زبان و ادبیات فارسی می‌باشند تا با مطالعه و بهره‌جویی از شرح اصطلاحات موسیقی و دقت در صور شعری هر واژه، علاوه بر آگاهی یافتن از علوم دقیق موسیقی و در آمیختن آن با شعر فارسی به نمادها و رمزهای هر واژه موسیقایی و صور شعری آنها پی برده و به ارتباط بین شعر و موسیقی معترف گردند. به هر حال، برای تحقق بخشیدن به اهداف مذکور و فراهم ساختن دفتری که متضمن همه اصطلاحات موسیقی همراه با شواهد شعری باشد، سپردن مراحل زیر لازم و ضروری آمد:

کار با تحقیق و مطالعه کتب مختلف موسیقی و رساله‌های بسیار ارزشمندی که در این زمینه به تحریر درآمده آغاز شد و در کنار آن فیش برداری از مطالب مهم نیز پا به پای این پژوهش و جستجو انجام گرفت، بدینگونه که یک بخش آن شامل مباحث مربوط به موسیقی، تاریخچه موسیقی و کاربرد و تاثیر آن در روح و روان بشری و... بوده و بخش دیگر در مورد انواع ساز و آلات موسیقی، ساختمان ظاهری هرساز، تن مایه صوتی و کاربرد آنها و بخش دیگر راجع به الحان و مقامات و دستگاهها و آوازهای موسیقی توضیحات کافی گردآوری گردید. بخش دیگر نیز در رابطه با دیگر اصطلاحات عامه موسیقی از قبیل: آواز، داستان، رامشگر، و... اطلاعات جامعی بدست آمد. برای تهیه فهرست نام

تمامی اصطلاحات موسیقی به کلیه فرهنگها، واژه نامه ها و دایرةالمعارفهای موسیقی مراجعه گردید تا فهرستی از این واژه ها و مدخلها بر اساس ترتیب حروف الفبا گرد آوری شد. جستجوی هر واژه از فهرست موجود، در دیوان اشعار شاعران توسط نرم افزار درج، کار سنگین و طاقت فرسای چندین ماهه را محدود به چند صباحی کرد. شاعران منتخب در این کاوش علمی محدود است به سیزده شاعر: رودکی، منوچهری، فردوسی، خاقانی، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری، مولوی، فخرالدین عراقی، سعدی شیرازی، خواجوی کرمانی، حافظ شیرازی، صائب تبریزی و شهریار.

(در متن رساله حاضر نام بعضی شاعران، کوتاه و خلاصه بیان شده، مثلا: « فخرالدین عراقی » و «خواجوی کرمانی» بصورت عراقی و خواجو آمده است.)

بعد از چاپ از تمامی اشعاری که با توجه به مدخلها گرد آوری شده بود، کار دسته بندی و منظم کردن اشعار بر اساس موضوع مورد نظر انجام گرفته و کار نوشتن آغاز شد. شرح هر مدخل در سه بخش تنظیم گشت:

الف ( شرحی کامل از اصطلاح ذکر شده: اگر واژه مورد نظر، نام سازی بود، به چگونگی ساختمان ظاهری و اجزایی که در آن بکار رفته پرداخته شد. طریقه نواختن و بررسی وسعت صوتی و تاثیر حالات متنوعی که در نتیجه شنیدن آواز آن ساز در روان بشری می گذارد نیز در کنار آن آمد. اگر واژه نام الحان یا مقامی از مقامات موسیقی بود به شرح دقیق آن اعم از نوع مقام، شعبات، گوشه ها، تاثیر آن در دوران بشری، زمان نواختن آن بطور دقیق پرداخته شد. این میان اگر واژه یا اصطلاحی از اصطلاحات عام موسیقی همچون « ترانه ، داستان ، زیر و بم و ...» بود شرحی از آن بیان گردید.

ب ( صور شعری اصطلاح مورد نظر: هر شاعری بنا بر ذوق شعری و ادبی خویش تعبیری زیبا و دلنشین از یک اصطلاح خاص موسیقی داشت. گاه این تعبیر از اندام ساز و یا نوای آن بوده، گاه از مقامات گوناگون موسیقی و نوع گریز زدن از مقامی به مقام دیگر بوده و گاه به صور اصطلاحی خاص از موسیقی پرداخته است. شایان ذکر است که بیشترین بسامد صور شعری آلات موسیقی را به ترتیب در دیوان « مولوی، خاقانی، منوچهری، نظامی، صائب » و بیشترین بسامد صور شعری الحان موسیقی را در دیوان « منوچهری، نظامی، شهریار، مولوی و خواجو » می توان یافت .

ج ( بررسی بعضی اصطلاحات موسیقی از جنبه عرفانی: هر سازی و مقامی بنابر ادراک شاعر ، از دریچه و دید عارفانه او تعبیر عرفانی بر خود گرفته، که به دلیل اطناب کلام از شرح آن در این بخش خودداری می شود.

اشعاری که قبلا از نرم افزار درج جستجو و استخراج شده بود مطابق با دیوان اشعار و تصحیح‌های معتبری که در این زمینه انجام گرفته، اصلاح شد و نشانی هر بیت درج گردید. بدین صورت که ابتدا نام شاعر و سپس نام دیوان او آمده؛ بعنوان نمونه اگر نظامی گنجوی بود نام یکی از خمسه های او به اختصار ذکر شده است. مثلا:

مخزن الاسرار ← م ، لیلی و مجنون ← ل ، خسرو و شیرین ← خ  
هفت پیکر ← ه ، شرفنامه ← ش و اقبالنامه ← ا

شماره جلد دیوان (مثلا: ج ) ( البته اگر دیوان در چند جلد گرد آوری شده باشد) و بعد نوع و قالبی که در آن شعر سروده شده با ذکر شماره آن به اختصار بیان گردیده است بدین صورت که:

مثنوی ← م ، غزل ← غ ، قصیده ← ق ، قطعه ← ق  
چامه ← چ ، مطلع ← مط ، مقالت ← مق ، رباعیات ← رب  
چارانه ← چا ، متفرعات ← مت ، ترجیعات و ترکیبات ← تر

در رساله حاضر سعی بر آن شده تا صور شعری اصطلاحات موسیقی که از ذهن خیال انگیز و باریک بین شاعر ترشح می کند، بر پرده دید دوستداران و عاشقان ادب و فرهنگ و هنر ایران زمین منقش گردد تا تنها به ظاهر کلام اکتفا نکنند، بلکه چون صیادی مشتاقانه و بی پروا به عمق اقیانوس موج اندیشه و خیال شاعر نفوذ کرده و مروارید کلام را عریان و درخشان در صدف دستان خویش بنگرند و از ذوق سرشار صاحب سخنان لذت برند. شرح و تفسیر مفاهیم موسیقایی خصوصا اصطلاحات دشوار و دیر یاب الحان، مقامات، دستگاه و گوشه های موسیقی که در اشعار فارسی بیان شده به صورت دقیق و مطابق با اصول و قواعد علم موسیقی و با تکیه بر اسناد معتبر ذکر گردیده تا حق مطلب به خوبی ادا شود.

به هر تقدیر اثر حاضر با وجود نواقص و نادرستی ها و دریافتهای غلط و احتمالی که حقیر از سر نا آگاهی در علم گسترده و پیچیده موسیقی بجا گذاشته است، از دوستداران فرهنگ کهن ایرانی بالاخص اساتید والای موسیقی، درخواست دارد که این کاستی ها و خطاها را به دیده اغماض نگریسته و بضاعت مزاجه بنده را بپذیرند.

## مقدمه

### موسیقی

هنر، عصاره زندگی و منادی سعادت و کمال بشری بوده و به مظاهر حیات، زیبایی خاصی می بخشد. هنر زاده آدمی می باشد، موسیقی یکی از هنرهای شفاف و لطیفی است که مدال برتری و دلکشی را نسبت به دیگر هنرها بر گردن آویخته و در قلبهای حساس، گرمی مطبوعی ایجاد کرده، زیرا موسیقی از شعر رساتر، از نقاشی گویاتر و از رقص چابکتر است. هر هنری جلوه های رنگین خویش را به پای نغمه های روح انگیز موسیقی نثار می کند تا وزن و آهنگ و رنگ آمیزی و لطف و صفا را در هم آمیخته و خاطره طنین صدا را که خداوند در ازل با ذریت آدمی گفته و به یاد جان بیاورند، زیرا «خداوند از میان هنرها، موسیقی را برگزید و ملائک را به نواختن «تنبور» واداشت تا روح را که به هبوط در جسم راضی نمی گشت محصور ساخته و او را به مسیر کمال سوق دهند تا گنج مخفی را پیدا کرده و خود نیز از جنس آن گنج شود.»<sup>۱</sup> بنابراین هر نغمه و صوتی که از عالم روحانی نشأت می گیرد، شور عشق به مبعود یگانه را بر جان همه زندگان و همه موجوداتی که روح دارند منتقل می سازد.

«لفظ موسیقی گرفته شده از واژه یونانی " Mousika " و مشتق از کلمه " Muse " است که یکی از نه الهه شعر و رقص و آواز موسیقی یونان باستان می باشد.»<sup>۲</sup> موسیقی مرکب از دو واژه «موسی» و «قی» است. «موسی» در لغت یونانی، نغمه و سرود و «قی» به معنی موزون و لذت انگیز و دلپسند است.»<sup>۳</sup>

موسیقی زبان دل است. اگر کلامی از بیان ما فی الضمیر باشد موسیقی سخن آغاز می کند و به بخشی از مغز می رسد که کلمات نمی توانند بدانجا برسند. آنوقت است که هر کشش و زنگ و زیر و بمی از اصوات، مایه هیجان، عشق، غضب، رحمت، شفقت و محرک کلیه عواطف و کیفیات نفسانی می گردد و بشر را به سیر در عالمی که برای او مجهول است سوق می دهد. اثرات موسیقی

۱- بر گرفته و تلخیصی از دورینگ. ژان. موسیقی و عرفان. ص ۲-۱

۲- طهماسبی. طغرل. عبد القادر مراغی. ص ۱۵

۳- نفری. بهرام. اطلاعات جامع موسیقی. ص ۱۱

بر روح و جسم بشری غیر قابل انکار است. موسیقی با آرام کردن فشارهای بدن و عضله ها، از فشارهای روحی کاسته و احساس آرامش و سبکی مطلق بوجود می آورد.

موسیقی سنتی ابزار تمرکز و مراقبه است زیرا نوای روحبخش و لطیف آن از فشار خون، ضربان قلب و میزان دم و بازدم می کاهد و میزان مصرف اکسیژن را کاهش می دهد و به این ترتیب امواج تشنج زای مغز را از حالت فشار و استرس به امواج لطیف مبدل می سازد. حتی استفاده از موسیقی در بیمارستانها برای سبک کردن رنج و درد روحی و جسمی بیماران اثرات مطلوبی در پی دارد. نغمه موسیقی گاه گرفتاران درد بی خوابی را داروی خواب شده و زمانی بی خبران خواب آلوده را به خود آورده تا با استغاثه و راز چشم دل بگشایند و آنچه نادیدنی است آن بینند.

موسیقی هنری است که از تنظیم و ترکیب اصوات بوجود می آید. زبانی است که به جای حروف و کلمات با اصوات سر و کار دارد. همچنانکه چند حرف، کلمه ای و کلمات نیز جمله ای را می سازند. در موسیقی، چند صدا، میزانی و مجموع چند میزان، جمله موسیقایی را بوجود می آورد، که بر خلاف زبان تکلم یا کتابت (که مفهوم خاصی را القا می کند) هر شنونده ای بنا بر احساسات و عواطف درونی خویش معنایی خاص از آن استنباط می کند. موسیقی از صوت بوجود می آید. صوت نتیجه تصادم دو چیز است که اهتزازی در هوا ایجاد ساخته و بر اثر انتقال ذرات هوا، گوش متاثر می گردد.

نخستین معلم موسیقی و ادب بشر، طبیعت است. موسیقی متعلق به طبیعت و عناصر و اصوات طبیعی است. اگر صوت نبود، روح حیات از عالم رخت بر می بست و سکوت محض و خاموشی بر گیتی حکمفرما می شد. سکوت و مرگ نیز هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و همزادند. زندگی با شور و غوغاها و نغمه ها جاری است.

خود موسیقی نیز نتیجه تقلید صداهای منظم و مختلف طبیعت است. تلاطم امواج و غرش رعد، فکر آلات کوبه ای چون «دف»، «طبل»، «دهل» را تقویت می کند. وزش و زوزه باد یادآور آلات موسیقی بادی چون «نای» بوده و کوبش برگهای درختان به یکدیگر و همین نوای چکاوک و دم قمری و آواز بلبل، آلات موسیقی زهی چون «سه تار»، «تار» و «کمانچه» را تداعی می کند.

وجود آدمی نیز خود موسیقی می باشد. نوع حرکت و صدای قدم ها و حتی صدای ضربان نبض و قلب آهنگ موسیقی موزونی است که هر موج صوتی آن مملو از انگیزش و تحرک و زندگی است.

بنابراین نتیجه می گیریم، از آنجا که کائنات و انسان با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگی هستند پس انسان می تواند موسیقی ای بسازد که بنیاد های اصولی آن انعکاسی از این ارتباط و همانگی باشد. به

عبارت دیگر موسیقی می تواند با طبیعت کوک شود. بزرگان علم موسیقی قدیم پا فراتر از این مبحث نهاده و صدا را مقتبس از حرکت و تصادم سیارات منشعب دانسته اند. بدین گونه که «آفریدگار، منظومه شمسی را آفرید. خورشید در این میان، و چندین سیاره دور و نزدیک، لذا گردش سیارات به دور خورشید، صدای بم و گردش سیارات به دور خود، صدای زیر ایجاد می نماید»<sup>۱</sup> به بیان دیگر کرات آسمانی و ستارگان در گردش خود، صداهایی ایجاد می کنند که مشتمل بر نغمات و الحان موسیقی است. به همین دلیل موسیقی، بشر را در عوالم بالا سیر داده و وسیله گویا و هیجان آوری برای ارتقاء روح به عالم آفاق و انفس و نیل به کمال می باشد.

### مبدأ موسیقی

بنابر آنچه که ذکر گردید، اگر بخواهیم برای موسیقی مبدأیی بجوییم ناگزیریم همه جلوه های موجود در جهان طبیعی را اعم از جماد، نبات، حیوان و انسان را در پیدایش این پدیده ظریف و پرجذبه شریک بدانیم و معترف شویم که موسیقی از جسم و جان خاکیان و حرکت و گردش افلاکیان مایه گرفته است.

«جماد: جسمی بی روح که در نظر صاحب‌دلان سرشار از نغمات روحانی و جانبخش است؛ مانند چرخ آسیاب که با گردش خود صوتی موزون و مداوم ایجاد می سازد .

نبات: موجودی برزخی همچون درخت که پای در خاک دارد و سر به افلاک و با نوازش باد، شاخ و برگ خود را به رقص در می آورد. در این تحرک زیباست که صدای کوبش برگ ها گوش اهل دل را نوازش می دهد. گاه نئی که از نیستان بریده می شود اگر در دستان نوازشگر هنرمندی جای گیرد و مملو از دم های نوازنده گردد، نوایی پر سوز و جانگداز از سر می دهد که به یکباره روح مستمع را به عالم علوی گره می زند.

حیوان: موجودی زنده که پرنده اش «بلبل، فاخته، قمری ...» با آواز خوشی که از حنجره برمی آورد مایه تلطیف روح بشری می گردد و پرنده اش با فدا کردن پوست «به عنوان پوشش آلات کوبه ای»، روده «به عنوان تارهای آلات زهی» و شاخ «به عنوان سازی از سازهای بادی» در تکامل هنر موسیقی نقش عمده ای را ایفا می کنند.

انسان: موجودی که گاه با دستان هنرمند خویش از ابزارهای مادی «آلات موسیقی» صدای روحبخش و متعالی استخراج می کند و گاه با استفاده از حلقوم خویش نوایی پر تحریر و پیچش بر می آورد که صوفی جان سوخته را شور و حال بخشیده و او را به دست افشانی وا می دارد. زیرا

---

۱. نصیری فر . حبیب الله . مردان موسیقی ج ۲ . ص ۳۰۴

هوایی که از طریق نفس کشیدن در تن مغنی جاری میشود، رنگ و بوی افکار و احساسات او را جذب کرده و مملو از عواطف او می گردد. حلق یا «حنجره» کهن ترین سازی است که با بشر به دنیا آمده و پیوسته آهنگ وجود نواخته است. این ساز طبیعی از لحاظ ساختمان، فنی ترین سازی است که مایه پیدایش انواع سازها خصوصاً نای گشته است.<sup>۱</sup>

### نگاهی مختصر بر تاریخ موسیقی ایران

هنرهای زیبای هر ملتی نماینده احساسات، روحیات و اعتقادات ایشان می باشد و ذوقیات ملل متفاوت است هنرهای ایشان نیز از یکدیگر متمایز است. اوضاع اجتماعی، جغرافیایی، طبیعی، عوالم روحی، معنوی، عقاید، افکار و... و از همه مهمتر ذوق و احساسات ملل شرق و غرب زمین در تفاوت بین هنرهای ایشان دخالت دارد. هنر موسیقی نیز در هر ملتی ترجمان حالات و روحیات و احساسات آن قوم بوده و قدمت تمدن، انقلابات، حوادث تاریخی و خاطرات شادی بخش و دوران غم انگیز گذشته را تا ابد احیا می سازد. بنابراین هر کشوری موسیقی خاص سرزمین خویش را داراست.

موسیقی سنتی ایرانی که از دوران باستان به ما رسیده گرچه در طول زمان، طی جنگهای خونین و تحریم های طولانی تغییرات زیادی کرده است ولی با اینهمه به علت علاقه شدید ایرانیان به فرهنگ خویش نسبتاً پایدار مانده و تا نسل امروز تداوم یافته است. متأسفانه مدارک کافی از هنر موسیقی تمدنهای اولیه در فلات ایران، سند مشخصی باقی نمانده است. ثبات نسبی ایران در دوره هخامنشیان «که کوروش بنیانگذار آن بود» پناهگاه خوبی برای موسیقی ایرانی و پیشرفت آن شد. با اینهمه شواهدی که خصیصه فرهنگ موسیقایی آن زمان را نشان دهد در دست نیست. تنها در کتیبه-های سنگی کشف شده از نقاط مختلف ایران که نقش های حک شده ای از سازهای مختلفی چون رباب، تنبور، دوتار، چنگ، عود، سنتور، نای، بوق، کرنای، طبل و ... دارد و همچنین از نوشته های تاریخ نویسان گذشته و سروده های مقدس و مذهبی زرتشتیان در کتب قدیمی می توان نشان از قدمت موسیقی ایرانی یافت.

اولین اسناد مربوط به موسیقی ایرانی به دوره ساسانیان مربوط می باشد. دوران طلایی امپراطوری خسرو پرویز با وجود موسیقیدانان برجسته و مشهوری چون «باربد، رامتین، نکیسا، بامشاد، آزاد و سرکش» پناهگاه خوبی برای موسیقی و پیشرفت آن شد. مقام نوازندگان دربار به حدی والا بود که بهرام گور، از پادشاهان هند درخواست کرد که دوازده هزار نوازنده و خواننده و رقص که لولی یا کولی نامیده می شدند به ایران بفرستد. بعد از حمله اعراب به ایران در صدر اسلام در ایران

۱- برگرفته از فروغ. مهدی، و سامی. علی و ... موسیقی ایرانی، مجموعه مقالات. صص ۱۸۰-۱۸۲



فعالیت زیادی در موسیقی نشد. « تحریم موسیقی در دوره خلفای راشدین موسیقیدانان را به گوشه انزوا کشاند. تنها بردگان ایرانی کار موسیقی را ادامه دادند»<sup>۱</sup> و بدین طریق هنر خویش را به اعراب القا کردند. کتب ارزشمند موسیقی توسط محققانی چون فارابی، ابوعلی سینا و صفی الدین ارموی تالیف گردید. تا اینکه در دوره حکومت غزنویان و بعد سامانیان شعر و موسیقی پیشرفت قابل توجهی کرد.

در قرن هفتم مصادف با حمله مغول به ایران با وجود قساوت قلبی حکام مغول، جلو پیشرفت هنرها گرفته نشد. بیشتر کتب موسیقی در این دوره تألیف شد و موسیقی یکی از اصول مهم تربیتی صوفیان شد. زیرا اهل تصوف نه تنها موسیقی و سماع را مجاز می داشتند بلکه آنرا وسیله تهذیب نفس و رسیدن به معشوق ابدی و ازلی می دانستند.

اوج تحریم موسیقی و رکود این هنر پر ذوق ایرانی را در دوره حکومت صفویان به وضوح می توان دید. با توجه به اینکه موسیقی در نظر مسلمانان گناه محسوب می شد ولی تداوم موسیقی ایرانی توسط موسیقی دانان در خفا و یا بوسیله خوانندگان مذهبی انجام گرفت. صوفیان نیز در محافل سماع خویش اشعار عرفانی را با دف و سه تار همراه می ساختند و موسیقی را وسیله تزکیه روح و قلب می دانستند.

« در دوران قاجار اصطلاحاتی در زمینه موسیقی انجام گرفت؛ از جمله اینکه موسیقی مقامی به موسیقی دستگاهی مبدل گشته»<sup>۲</sup> و بسیاری از کتب ردیف موسیقی سنتی که کاملترین آن ردیف میزا عبدا... است احیا گردید.

بالاخره قرن بیستم میلادی دوره بازسازی و تا اندازه ای نوآوری در موسیقی ایرانی بود و با تاسیس دار الفنون، تدریس موسیقی در آن گسترش یافت و ردیف موسیقی ایرانی مجاز شناخته شد.

### جنبه عملی موسیقی

کتابهایی که از قدیم راجع به موسیقی ایران نوشته شده آنچنان جنبه عملی به خود گرفته و نسبتهای پیچیده ریاضی در آن بکار رفته که موسیقی را یکی از اقسام حکمت ریاضی دانسته اند. اگرچه در کتب موسیقی راجع به کیفیت صوت، فواصل نغمات، ترتیب مقامات، پرده بندی ها، وزن های مختلف و اسامی الحان و... گفتگو شده ولی چون خطی برای نوشتن نغمات وجود نداشته و مطلب از نظر علمی بحث نشده است، بنابراین بسیاری از الحان و آوازهای دوره های قبل به دست فراموشی سپرده شده و فهم کتب علمی موسیقی را مشکل کرده است. همچنانکه قبلا ذکر گردید، از

۱- برگرفته از فروغ. مهدی، و سامی. علی و ... موسیقی ایرانی، مجموعه مقالات. صص ۱۸۲-۱۸۰

۲- برگرفته از فرهنگ، هرمز، دستگاه در موسیقی ایرانی. ص ۲۰

چگونگی موسیقی دوره باستان اطلاعی در دست نیست. از موسیقی دوره ساسانیان نیز اطلاعات ما مختوم می‌گردد به دیوان اشعار «نظامی، منوچهری» و اشعاری که در خصوص نام الحان و اسامی سازها ذکر شده است.

در زمان سلطنت خسرو پرویز ساسانی که موسیقی به حد اعلای خود رسید. باربد، موسیقیدان ارزنده این دربار «با تنظیم و سازماندهی موسیقایی که شامل هفت ساختار مقامی معروف به مقامهای سلطنتی (خسروانی)»<sup>۱</sup> و سی مقام و سیصد و شصت نغمه مطابق با تعداد روز در هفته، ماه و سال، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های موسیقی ایرانی شمرده شد. ولی متأسفانه چون آثار مکتوبی از این الحانی وجود نیامد و سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل گشت، در این سیر زمانی یا بدست فراموشی سپرده شد یا تغییر و تبدیلی در نوع و نام لحن بوجود آمد. (نام این الحان در رساله حاضر ذکر و مورد بحث قرار گرفته است). پس از اسلام هفت خسروانی و کلیه الحان دیگر نادیده گرفته شد و بر اساس دوازده ماه سال، هفت خسروانی به دوازده عدد تبدیل گردید و به «مقام» تغییر نام داد و برای هر یک از مقامات دوازده گانه، دو شعبه و شش آواز در نظر گرفتند.

#### دوازده مقام موسیقی و شعبات آن

«عشاق (زابل، اوج)، نوا (نوروز خارا، ماهور)، بوسلیک (عشیران، نوروز صبا)، راست (مربع، پنجگاه)، عراق (مغلوب، راهوی)، اصفهان (نیریز، نیشابور)، زیرافکند (رکب، بیاتی)، بزرگ (همایون، نهفت)، حجاز (سه گاه، حصار)، زنگوله (چهارگاه، عزال)، رهاوی (نوروز عرب، نوروز عجم)، حسینی (دوگاه، محیر)»<sup>۲</sup>

#### و شش آواز موسیقی

«گوشت، گردانیه، نوروز، سلمک، مایه و شهناز»<sup>۳</sup>

البته باید توجه داشت که بدلیل نبودن خط معین (نت) برای نوشتن الحان موسیقی و ثبت آنها، موسیقیدانان از اعداد یا حروف ابجد برای نوشتن الحان و مقامات موسیقی استفاده می‌کردند. از قرن هفتم هجری به بعد بتدریج تعداد مقام‌ها بیشتر شد و موسیقی ایرانی حرکت و جنبشی نو برای تنوع و گسترش سیستم نغمات می‌پذیرفت. از طرفی «به علت رکود و تحریم موسیقی در دوره صفویه اکثر نوازندگان توانایی عملی و تئوری برای بداهه نوازی در یک مقام بمدت طولانی را نداشتند. رفتن

۱. فرهنگ. هرمز. دستگاه در موسیقی ایرانی. ص ۱۷

۲. ثابت زاده. منصوره. سه رساله موسیقی کهن ایران. ص ۱۱۲

۳. همان

از یک مقام به مقام دیگر راه حلی برای این معضل بود.<sup>۱</sup> بنابراین در اواخر دوره صفویه و در اوان زمان قاجاریه، سیستم مقامی (با فواصل موسیقایی ثابت) به دستگاهی (با فواصل موسیقایی متغیر) تحول یافت و با عنوان ردیف موسیقی ایرانی در بین اقشار موسیقی دان شناخته شد. بدینگونه که دوازده مقام موسیقی به هفت دستگاه «شور، سه گاه، چهار گاه، ماهور، همایون، نوا و راست پنجگاه» (که هر یک شامل تعداد زیادی گوشه می باشند) مبدل گشت و شش آواز موسیقی مقامی به آوازهای «دشتی، ابوعطا، افشاری، بیات ترک (که از متعلقات دستگاه شور اند) و بیات اصفهان» (که مشتق از دستگاه همایون است) تغییر یافت. صاحب ذوقان پراحساس موسیقی کنونی که شمه ای از بوستان عالم عرفان را به جان شنیده اند تعبیری زیبا از هفت دستگاه موسیقی بیان داشته اند که ذکر آن خالی از ذوق نیست:

«۱ شور: آغاز شب است و آوازهای آن ادامه راه و این یعنی آغاز هستی یا آفرینش. تلاش است و جستجو (وادی طلب).

۲ سه گاه: سپیده دم است و پایان شب و آغاز روشنایی یا آغاز زندگی یعنی عشق (وادی عشق)

۳ چهار گاه: بر آمدن آفتاب، سر آغاز زندگی، تابش نور، دمیدن و شناختن (وادی معرفت).

۴ ماهور: آغاز روز، آغاز زندگی، شور و جوانی، غرور، توانگری و بی نیازی (وادی استغنا).

۵ همایون: ادامه روز و تداوم زندگی، اتحاد عشق، عاشق و معشوق (وادی توحید).

۶ راست پنجگاه: پایان روز و فرو شدن خورشید، خزان زندگی، سرشکستگی و حیرت (وادی حیرت).

۷ نوا: سر انجام نیایش زندگی و انسان که سرانجام آهنگ و روشنایی روز است که به تاریکی و نیستی می رسد (وادی فنا)<sup>۲</sup>

#### چند اصطلاح موسیقی در ردیف موسیقی کنونی

دستگاه: به مقام کامل موسیقی همراه با گوشه های خاص همان دستگاه و یا آوازهای مربوط بدان که درجات فواصل هر دستگاه خاص همان دستگاه باشد گفته می شود.

گوشه: یک سری ملودی ست که مجموع آن دستگاه را تشکیل می دهد. تعداد این گوشه ها به بیش از دویست نغمه گوناگون می رسد. با گوشه های همانند می توان از یک دستگاه به دستگاه دیگر رفت به گونه ای که این تغییر برای شنونده دلنشین باشد. در موسیقی این روش را «مرکب خوانی» یا «مرکب نوازی» گویند.

۱- اربابی . فریدون . ردیف موسیقی ایرانی . ص ۱۳۳

۲- کیانی . مجید . مبانی نظری موسیقی . ص ۱۱۱

ردیف: مجموعه ای از چندین قطعات است بنام گوشه که در چارچوبی بنام «دستگاه» گنجانده شده اند. این چارچوب شامل فواصل مشخص نت های موسیقی است.

رنگ ( RENG ): «قطعه سازی در میزان دو یا سه ضربی نسبتا سریع است.»<sup>۱</sup> در حقیقت یک قطعه سازی شاد و پر تحرک، خاص رقص می باشد و بواسطه آن معمولا اجرای یک دستگاه به پایان می رسد. مشهورترین رنگ، رنگ «شهر آشوب» می باشد که در دو دستگاه «شور و چارگاه» اجرا می گردد.

صداهاى موسيقى را با الفباى مخصوصى بنام «نت» بر روی خطوط حامل ( پنج خط موازى ) نمایش می دهند. این نت ها هفت عدد هستند و اسامى آنها عبارت است از:

« Do - Re - Mi - Fa - Sol - La - Si »

البته باید توجه داشت که نامگذاری نت ها برگرفته از پایه موسیقی غربی است بدینگونه که «در غرب حروف اول کلمات اشعار لاتین آهنگ یوحنا را برای نام نت ها بکار برده اند»<sup>۲</sup> بران نشان دادن صداهاى بین نت ها از علامات تغییر دهنده استفاده می شود. این علامات که صدای نت ها را نیم پرده یا ربع پرده بالا و پایین تغییر می دهند عبارتند از:

« Si بمل - Mi بمل - La کرن - Fa دیز »

### موسیقی و شعر

موسیقی و شعر دو هنر ظریف و پر احساسی هستند که از روزگاران پیشین با یکدیگر همگام بوده و آمیزش آنها با یکدیگر اثرات شگرفی در روح و روان بجا می گذارند. در تاریخ کشور ما نیز شاعران موسیقیدان گوناگون بوده اند که اشعار خود را با موسیقی عجین کرده و با آن می خواندند. به همین دلیل شعر و موسیقی دوش به دوش یکدیگر داده و گره نابگشودنی خویش را مستحکمتر ساخته اند. در عرف نیز مردم از ساز و آواز به شرطی لذت می بردند که با هم توأم باشند؛ زیرا هیچ یک از آن دو به تنهایی قادر به بیان احساسات، عواطف، حالات و کیفیات روحی نمی باشند.

با دقت در تاریخ گذشته ایران می بینیم که از دیرباز این دو هنر با هم آمیخته شده و شاعر و موسیقیدان حقیقی اغلب به کسی می گفتند که این دو هنر را دارا بوده است. ولی با این همه تمام شاعران ادب فارسی بر مسند خوانندگی و نوازندگی تکیه نکرده اند و موسیقیدان نبوده اند، ولی از علوم دقیق موسیقی سررشته و آگاهی داشته اند.

۱. برگرفته از فرهنگ . هرمز . دستگاه در موسیقی ایرانی . ص ۴۷

۲. اربابی . فریدون . ردیف موسیقی ایرانی . ص ۱۸۹